

قیام ملی ۳۰ تیر

(۴)

صفحه های ۴۴۰ تا ۴۴۵ از جلد اول کتاب مصدق - سالهای مبارزه و مقاومت تألیف سرهنگ غلامرضا نجاتی:

یا مرگ یا مصدق!

صبح روز ۳۰ تیر، شهر تهران یکپارچه تعطیل بود. مردم دسته دسته، در حالیکه شعار طرفداری از مصدق را سر می دادند، به طرف خیابان های مرکز شهر و میدان بهارستان در حرکت بودند. در تظاهرات و مقاومت سی ام تیر، روزی که بدون تردید نقطه عطفی در تاریخ ایران بشمار می رفت، همه طبقات از کارگر، پیشه ور، کارمند، دانشجو، بازاری، پیر و جوان و زن و مرد، در کنار هم بودند.

اولین برخورد، در ساعت هفت صبح در بازار تهران با تیراندازی نظامیان به جمعیت و مجروح شدن یک جوان آغاز گردید. مقارن همین زمان دانشجویان، تظاهرات را شروع کردند و با شکستن صفوف نیروهای انتظامی به طرف مرکز شهر به راه افتادند.^(۱) قیام لحظه به لحظه گسترش می یافت. هزاران تظاهرکننده با فریادهای «یا مرگ یا مصدق»، «مصدق پیروز است»، «مرگ بر قوام السلطنه»، با نظامیان و پاسبانان که به سوی آنها تیراندازی می کردند، درگیر شدند. در نبرد تن به تن عده ای مجروح گشتند و زد و خوردکنان به میدان بهارستان رسیدند.

بخشی از گزارش خببرنگار روزنامه کیهان درباره برخورد نظامیان با تظاهرکنندگان بدین شرح است:

«... در خیابان اکباتان مقاومت مردم شدت بیشتری داشت؛ در این خیابان که حزب زحمتکشان ملت ایران در آن واقع است و روزی فروش روزنامه های دست چپی در آن کار مشکلی بود، آن روز مرکز فعالیت عناصر افراطی دست چپی نیز شده بود. روزنامه شاهد، ارگان حزب زحمتکشان، پرچمدار، ارگان پان ایرانیست ها و روزنامه جوانان هموکرات و بسوی آینده، ارگان چپ های افراطی، باهم به فروش می رفتند. این سه چهار دسته که تا چند روز قبل غالباً با یکدیگر در زد و خورد بودند، امروز دوستانه در کنار هم تظاهرات می کردند.

گذشته از تعطیل بازار و مغازه ها، رانندگان اتوبوس های شهری و کارگران کارخانه ها و کارگاه ها، دست از کار کشیده و به تظاهرکنندگان پیوسته بودند. کوشش مأمورین انتظامی برای جلوگیری از تعطیل ادارات شکست خورد. از ساعت نه صبح به بعد، ادارات دولتی هم تعطیل گردید. به علت اعتصاب کارگران راه آهن قطارهای

۱. روزنامه کیهان، ۳۰ تیر ۱۳۳۱، سرمقاله.

مسافری و باری نیز از کار بازماند. به تدریج آثار عدم اطاعت از دستورهای فرمانداری نظامی مبنی بر قتل عام مردم در میان نظامیان ظاهر گردید و چنانچه «آسوشیتدپرس» گزارش داد، نزدیک میدان توپخانه، سه هزار نفر از مردم به طرف یک تانک حمله ور شدند، ولی سربازان و مردم به جای آنکه یکدیگر را مضروب و مجروح سازند، همدیگر را در آغوش گرفته و بوسیدند. در تهران یک انقلاب کامل العیار نمایان بود...»^(۱)

روز ۳۰ تیر در بیشتر شهرستان ها، به طرفداری از مصدق تظاهرات وسیعی به عمل آمد و بین مردم و نیروهای انتظامی زد و خورد های خونینی روی داد. در شهرهای آبادان و اهواز برخوردها شدیدتر بود. در شهر اهواز عده زیادی کشته شدند.

با اوج گیری قیام سی ام تیر، مودی از آثار نافرمانی در میان نظامیانی که برای سرکوب مردم به خیابان های تهران اعزام شده بودند، ظاهر شد و خطر پیوستن افسران و سربازان ارتش به صفوف مردم، شاه را سخت نگران ساخت. در تهران حدود ۸۰۰ تن کشته و زخمی شده بودند، با اینحال مقاومت مردم شدیدتر می شد و قیام به مرحله انقلاب می رسید. مقارن ساعت چهار بعد از ظهر به دستور شاه نیروهای ارتش و انتظامی از زد و خورد دست کشیدند و به سربازخانه ها برگشتند.^(۲) یک ساعت بعد قوام السلطنه مجبور به استعفا گردید و مخفی شد. خبر کناره گیری قوام را حسین علاء وزیر دربار، به فراهسیون نهضت ملی اطلاع داد. نمایندگان جبهه ملی نیز بی درنگ این خبر را به وسیله رادیو که در کنترل هواخواهان مصدق بود، اعلام کردند و امنیت شهر تهران را به مردم سپردند.

ساعت هفت بعد از ظهر، هزاران تن مردم تهران عازم خانه دکتر مصدق شدند. رهبر جبهه ملی در حالیکه به شدت می گریست، از بالکن خانه اش خطاب به مردم گفت: «ای کاش مرده بودم و ملت ایران را این طور عزادار نمی دیدم. [...] ای مردم؛ به جرأت می گویم، استقلال ایران از دست رفته بود، ولی شما با رشادت خود آنرا

۱. کیهان، ۳۰ تیر و سرمقاله ۳۱ تیر ۱۳۳۱، انعکاس وقایع ایران.
۲. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ علل اصلی دستور شاه مبنی بر بازگشت فوری نیروهای مسلح و نقش «افسران ناسیونالیست» در پیروزی قیام ۳۰ تیر، رجوع کنید به: کهنه سرپاز، تألیف سرهنگ غلامرضا منصور رحمانی، انتشارات مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۶۶، بخش سوم، صفحات ۲۱۸، ۲۲۲؛ جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۰، غلامرضا نجفی، صفحات ۲۲۸ - ۲۳۰.

نگاه داشتید...»^(۱)

* * *

پیروزی سی‌ام تیر، حاصل قیام واقعی یک ملت رشید و متحد بود. این قیام فصل تازه‌ای در مبارزهٔ ملل ستمدیدهٔ جهان علیه امپریالیسم گشود و نشان داد که اگر نیروی ملت در راه آمل و خواسته‌های مشروع خلق متشکل و متحد شود و به درستی رهبری گردد، پیروزی از آن ملت خواهد بود.

در شامگاه ۳۰ تیر، پیروزی بزرگ دیگری نصیب ملت ایران گردید و آن خبر صدور رأی دیوان دادگستری بین‌المللی مبنی بر عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی به شکایت انگلستان در مورد نفت ایران بود. این رأی که حقانیت ملت ایران را در مبارزه علیه استعمار بریتانیا ثابت کرد، پیروزی سی‌ام تیر را تکمیل ساخت و بازتاب وسیعی در محافل قضایی و سیاسی جهان به وجود آورد.

آقای محمدعلی سفیری، خبرنگار باختر امروز، اوضاع پایتخت را در روز ۳۱ تیر بدین شرح نقل کرده است:

«از روز ۳۱ تیر شهر تهران در دست مردم بود. شور و هیجان ناشی از پیروزی، آرامش پایتخت را مختل نکرد. نمایندگان فراکسیون جبهه ملی کارگردانی اوضاع را در دست داشتند. جوانان مأمور امنیت شهر با علامت باند سیاه بر سینه، به نشانهٔ عزاداری شهدای ۳۰ تیر، در خیابان‌ها انتظامات عمومی را به عهده داشتند. تمامی قشرها و گروه‌ها اعلامیه دادند. همان روز، در مسجد ارک، مجلس باشکوهی در بزرگداشت شهدای ۳۰ تیر انعقاد یافت. وکلای جبهه ملی و طبقات مختلف و علماء اجتماع کردند. آیت‌الله کاشانی در این مراسم حضور یافت. از جانب دکتر مصدق فرزند ایشان دکتر غلامحسین مصدق آمده بود. سخنرانی‌های مهیجی ایراد شد. نظیر این احساسات در سراسر مملکت وجود داشت. دولت نیز روز پنج‌شنبه، دوم مرداد [مراسم] ختم جداگانه‌ای در مسجد شاه ترتیب داد؛ حتی دربار نیز اعلامیه تسلیت داد.»^(۲)

پس از اعلام استعفای قوام، مجلس شورای ملی تشکیل شد و از ۶۴ تن نمایندگان حاضر در جلسه، ۶۱ تن نسبت به زمامداری مجدد مصدق ابراز تمایل کردند.^(۳) در جلسهٔ دوم مرداد، مجلس قیام سی‌ام تیر را به نام «قیام ملی» شناخت و

۱. باختر امروز، ۳۱ تیر ۱۳۳۱.

۲. قلم و سیاست، شکست ارتجاع، صفحات ۶۳۷ - ۶۳۸.

۳. باختر امروز، کیهان، ۳۱ تیر ۱۳۳۱.

حوادث روزهای بعد از استعفای مصدق، که منجر به قیام سی‌ام تیر گردید و جنبه‌های آشکار ضد سلطنتی داشت؛ شاه را مجبور به عقب‌نشینی کرد. همچنین صحت نظریات آن دسته از مشاوران او را که گفته بودند برکناری مصدق موجب تغییر اوضاع به سود شاه خواهد گردید، باطل ساخت. میدلتون تقصیر شکست قوام را به گردن شاه گذاشت و گزارش کرد که «شاه از نیروهای مسلح پشتیبانی نکرد و فرماندهان نظامی را در معرض خطر تلافی‌جویی‌هایی وحشیانه قرار داد.» به اعتقاد کاردار سفارت بریتانیا «اوباش در نتیجهٔ تسلیم شاه پیروز شدند. بی‌تصمیمی، ترس و فقدان شهامت اخلاقی، نتیجهٔ تأسف‌آوری را به بار آورد...»^(۱)

بدون شک، ضعف شاه و تردید او در تصمیم‌گیری‌ها به پیروزی قیام سی‌ام تیر کمک کرد، ولی عامل اصلی شکست او، برتری قدرت سیاسی و اخلاقی و توانایی مصدق و ایمان و اعتقاد به رسالتی بود که رهبری آنرا به عهده گرفت.

شکست قوام السلطنه در نتیجه اشتباه در محاسبه‌های او بود. قوام با زمینه‌سازی قبلی و توافق انگلستان و آمریکا به قدرت رسیده بود تا به عنوان یک نخست‌وزیر قوی و مطلوب، بحران نفت را از طریق سازش با لندن و واشینگتن حل کند و نهضت مردم ایران را خاموش کند، ولی با همه کارکشتگی، میزان پشتیبانی بیگانه و داخلی‌اش و نیز موضع شاه و مهمتر از همه قدرت و اصالت نهضتی را که مصدق رهبری آنرا به عهده داشت، به درستی درک نکرده بود. سرانجام، رویداد ۳۰ تیر، شاه و خانواده سلطنتی را خوار و خفیف کرد، مخالفان مصدق و نهضت را

۱. گزارش میدلتون به ایدن، ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۲، FO371/98602.

دیگر رویدادهای روزهای ۳۰ و ۳۱ تیر بدین شرح بود:

۳۰ تیر - دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه‌هایی لزوم حرمت نظامیان را تأکید کردند و از مردم خواستند از حمله و ضرب و شتم نظامیان و مأمورین پلیس خودداری کنند.

۳۱ تیر - فرمان نخست‌وزیری مجدد دکتر مصدق صادر شد.

۳۱ تیر - دکتر سیدحسین امامی رئیس مجلس شورای ملی از سمت خود کناره‌گیری کرد و عازم اروپا شد. ۳۱ تیر - به مناسبت پیروزی قیام سی‌ام تیر و اعلام رأی دیوان دادگستری بین‌المللی، دموکرات‌اسیون عظیمی با شرکت همه احزاب و دسته‌جات سیاسی در تهران تشکیل شد که در آن ده‌ها هزار تن شرکت کردند.

۳۱ تیر - در مصر گروه «افسران آزاد» به فرماندهی ژنرال محمد نجیب کودتا کردند.

«مات» ساخت و طومار حیات سیاسی قوام السلطنه را، با اندوه و سرشکستگی به پایان برد و در زمره «پاک‌باخته‌های قیام ملی سی‌ام تیر درآمد!»

بحران سیاسی روزهای آخر تیر نشان داد که سیاست بریتانیا برپایه اشتباه در محاسبات سیاسی بوده است. مطبوعات جهان در اروپا و آمریکا رویداد سی‌ام تیر را به عنوان یک پیروزی بزرگ مورد بحث و تفسیر قرار دادند.^(۱) میدلتون واقعه ۳۰ تیر را «نقطه عطفی در تاریخ ایران» دانست و گفت: «مصدق در نتیجه شورش‌های خیابانی به کار برگشت.» به عقیده میدلتون «این امر به نشانه هماهنگی نیروهایی در درون جامعه ایرانی بود که قبلاً با دشمنی به یکدیگر می‌نگریستند.» کاردار سفارت بریتانیا در گزارش روز ۲۲ ژوئیه (۳۱ تیر) نوشت:

«به نظر من این نکته کاملاً آشکار است که شورش خونین ۲۱ ژوئیه از قبل ترتیب داده شده بود. عوام‌فریبان جبهه ملی، بویژه کاشانی به این شورش، شکل ظاهری یک قیام خونین مردمی داده‌اند. [...] گزارش‌هایی که دریافت می‌کنم حاکی از این است که تظاهرات مزبور به همان اندازه ضد سلطنت بود، که ضدامپریالیستی.... مضافاً اینکه در پشت سر این تظاهرات یک اراده توأم با خونسردی و بیرحمی وجود داشت که مخصوص کمونیست‌ها است [...] شاه به علت تزلزل و ضعف‌های خودش و نبودن یک ملت آگاه و باسواد، اجازه داد ابتکار عمل به دست حزب توده و عامه مردم بیفتد....»

به عقیده میدلتون «این هفته، برای آینده نفوذ غرب در ایران سرنوشت‌ساز بود». میدلتون هشدار داد «بیم دارم که متوقف ساختن مملکت از سوق به سوی کمونیسم، از توان ما خارج باشد.»

کاردار سفارت انگلیس در گزارش خود، مصدق را عوام‌فریب و اطرافیانش را فاقد منطق توصیف می‌کند و می‌نویسد:

«... قدرت او در عوام‌فریبی‌اش نهفته است. [...] می‌ترسم امکان نداشته باشد با شیوه‌های عادی قانونی او را از کار برکنار کرد. [...] عده‌ای او را دوره کرده‌اند که مثل خودش از منطق به دورند و حتی یک نفر در میان اطرافیان او دیده نمی‌شود که بتواند با شیوه منطقی با او بحث کرد. به گمان من انگیزه اصلی او کینه‌توزی با آمریکایی‌ها و ما باشد و در این راه از هیچ کاری روگردان نیست...»^(۲)

سر دونالد لوگان، که طی سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱ در سفارت انگلیس خدمت

۱. نیویورک تایمز، ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲؛ تایمز لندن، ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲.

۲. گزارش میدلتون به وزارت خارجه بریتانیا، ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲، FO248/1531.

کرده بود و سپس در وزارت خارجه بریتانیا کار می کرد، طی یادداشت خود، از واقعه
سی ام تیر به عنوان یک شکست واقعی یاد کرده و نوشته است:
«واکنش خلق در برابر کناره گیری مصدق در تهران چنان عظیم بود که قوام نتوانست
دوام بیاورد. این یک شکست واقعی بود. به گمانم در همان موقع در مصر نظامیان
قدرت را به دست گرفتند. هفته بدی بود.»^(۱)

۱. پایان امپراطوری، صفحه ۲۱۴.

پایان قسمت (4)